مجله علمی مطالعات پژوهشی
در حقوق آینده
www.journalhi.com/law/

جهات و جلوه‌های حضوری یا غیابی بودن محاکمه در محاکم کیفری بین‌المللی و نظام دادرسی کیفری ایران

سید محمد مهدی حسینی حاجی آبادی [۱،*]

۱- استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران. ایمیل: se.mo.hosseini@yazd.ac.ir
* نویسنده مسئول

چکیده

محاکمه غیابی از موضوعات مهم و چالش‌برانگیز در آیین دادرسی کیفری است که از یک سو با حق متهم برای حضور در دادرسی و برخورداری از دفاع مؤثر و از سوی دیگر با ضرورت اجرای عدالت کیفری و جلوگیری از بی‌کیفرمانی ارتباط دارد. اصل بر حضوری بودن دادرسی است، اما نظام‌های مختلف حقوقی، با توجه به مبانی و الزامات خود، در مواردی محاکمه غیابی را پذیرفته‌اند. پژوهش حاضر با بررسی جایگاه محاکمه در محاکم کیفری بین‌المللی و نظام حقوق کیفری ایران، درصدد تبیین مبانی، جهات و جلوه‌های محاکمه حضوری و غیابی است. در این راستا، ابتدا رویکرد نظام‌های کامن‌لا و رومی ـ ژرمنی بررسی شده و سپس مقررات و رویه محاکم کیفری بین‌المللی پیش از تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی و نیز مقررات اساسنامه رم مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین مفهوم حضور مؤثر متهم و تمایز آن از حضور صرفاً فیزیکی مورد توجه قرار گرفته و در ادامه، مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ایران درباره شرایط رسیدگی و صدور رأی غیابی، حضور متهم و وکیل، موارد جواز محاکمه غیابی و آثار آن بررسی شده است. ادعای اصلی پژوهش آن است که محاکمه غیابی، برخلاف تصورِ ناسازگاری مطلق آن با حق حضور متهم، می‌تواند به عنوان استثنایی بر اصل حضوری بودن دادرسی پذیرفته شود؛ مشروط بر آنکه شرایط و تضمین‌های لازم برای حمایت از حقوق دفاعی متهم رعایت شود. بررسی مقررات و رویه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که در محاکم کیفری بین‌المللی نیز اصل بر حضور متهم است، اما در شرایط استثنایی، امکان ادامه رسیدگی بدون حضور وی پذیرفته شده است. در حقوق ایران نیز قانونگذار ضمن پذیرش اصل حضوری بودن، در موارد مشخص رسیدگی غیابی را تجویز و برای حمایت از حقوق متهم، سازوکارهایی از جمله واخواهی را پیش‌بینی کرده است. بر این اساس، محاکمه غیابی را باید استثنایی مشروط بر اصل حضور دانست که اعتبار آن منوط به رعایت الزامات دادرسی عادلانه و حقوق دفاعی متهم است.

کلمات کلیدی: محاکمه غیابی، محاکمه حضوری، محاکم کیفری بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی، حقوق کیفری ایران

The Grounds and Manifestations of In-Person and Trial in Absentia in International Criminal Courts and the Iranian Criminal Justice System

Seyed Mohammad Mahdi Hosseini Hajiabadi [1,*]

1- Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, Political Science and History, Yazd University, Yazd, Iran. Email: se.mo.hosseini@yazd.ac.ir
* Corresponding Author

Abstract

Trial in absentia is one of the important and challenging issues in criminal procedure. On the one hand, it is closely associated with the accused's right to be present at trial and to benefit from effective defense, while on the other hand, it is connected with the necessity of administering criminal justice and preventing impunity. Although the principle is that proceedings should be conducted in the presence of the accused, various legal systems have, in light of their respective foundations and requirements, accepted trial in absentia in certain circumstances. This study examines the status of trial in absentia in international criminal courts and the Iranian criminal justice system, with the aim of explaining its foundations, conditions, and limits of admissibility. To this end, the approaches of the common law and Romano-Germanic legal systems are first examined, followed by an analysis of the rules and practices of international criminal courts established prior to the International Criminal Court, as well as the provisions of the Rome Statute. The concept of the accused's effective presence and its distinction from mere physical presence are also considered. Subsequently, the provisions of Iran's Code of Criminal

مجله علمی مطالعات پژوهشی در حقوق آینده، ۱۴۰۵، دوره ۴، شماره ۱، ص ص ۴۶-۵۸

مجله علمی مطالعات پژوهشی

در حقوق آینده

www.journalhi.com/law/

Procedure concerning the conditions for proceedings and the issuance of judgments in absentia, the presence of the accused and counsel, the circumstances in which trial in absentia is permitted, and its legal consequences are examined. The principal argument of this study is that, contrary to the view that trial in absentia is inherently incompatible with the accused's right to be present, it may be accepted as an exception to the principle of presence at trial, provided that the necessary conditions and safeguards for protecting the accused's defense rights are observed. An examination of the relevant rules and practices demonstrates that the presence of the accused is likewise the general principle before international criminal courts; however, under exceptional circumstances, proceedings may be continued in the accused's absence. Similarly, under Iranian law, while the legislature has recognized the principle of proceedings in the presence of the accused, it has permitted trial in absentia in specified circumstances and established mechanisms, including objection to a judgment rendered in absentia, to safeguard the accused's rights. Accordingly, trial in absentia should be regarded as a conditional exception to the principle of the accused's presence at trial, the validity of which depends upon compliance with the requirements of a fair trial and the accused's defense rights.

Keywords: Trial in absentia, trial in the presence of the accused, international criminal courts, International Criminal Court, Iranian criminal law

مقدمه

مقالات محاکمه غیابی یکی از مباحث مهم و بحث‌برانگیز در آیین دادرسی کیفری است که در ارتباط مستقیم با دو موضوع مهم، یعنی حق متهم بر حضور در جریان دادرسی و ضرورت جلوگیری از توقف فرآیند رسیدگی کیفری قرار دارد. از یک سو، حضور متهم در جلسه محاکمه امکان آگاهی وی از اتهامات و ادله و فراهم شدن فرصت دفاع را ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، پذیرش مطلق عدم امکان رسیدگی در غیاب متهم می‌تواند موجب شود که وی با عدم حضور خود، روند دادرسی را متوقف کند و حقوق بزه‌دیده و جامعه نیز با مشکل مواجه شود. از همین رو، در کنار اصل حضوری بودن دادرسی، محاکمه غیابی نیز با شرایط و حدود متفاوت در نظام‌های حقوقی مختلف مورد پذیرش قرار گرفته است. جواز یا عدم جواز محاکمه غیابی از جمله مواردی است که تفاوت میان نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی ـ ژرمنی را آشکار می‌کند. در نظام کامن‌لا اصل بر ممنوعیت محاکمه غیابی است و این رویکرد با ماهیت اتهامی دادرسی و ضرورت حضور طرفین در فرآیند محاکمه ارتباط دارد. با این حال، در همین نظام نیز در مواردی استثنایی، از جمله زمانی که متهم با رفتار خود موجب اخلال در جریان رسیدگی شود یا پس از حضور در دادگاه عمداً فرار کند، امکان ادامه رسیدگی بدون حضور وی پذیرفته شده است. در مقابل، نظام رومی ـ ژرمنی در کنار محاکمه حضوری، امکان محاکمه غیابی را نیز پذیرفته و برای آن مبانی متفاوتی مطرح شده است؛ تفاوت این دو رویکرد در محاکم کیفری بین‌المللی نیز انعکاس یافته است. بررسی وضعیت این محاکم نشان می‌دهد که جایگاه محاکمه غیابی در آنها یکسان نبوده است. در برخی محاکم، مانند دادگاه نورنبرگ، امکان محاکمه غیابی صراحتاً در اساسنامه پیش‌بینی شده و در برخی دیگر، از جمله دادگاه ویژه لبنان، شرایط مشخصی برای رسیدگی غیابی مقرر شده است. در مقابل، در اساسنامه برخی محاکم، اصل بر حضور متهم در جریان محاکمه قرار گرفته و درباره امکان رسیدگی غیابی اختلاف نظر وجود داشته است. بنابراین، محاکمه غیابی در محاکم کیفری بین‌المللی همواره تابع یک رویکرد واحد نبوده و در هر یک از این محاکم با توجه به مقررات اساسنامه و برداشت‌های موجود، وضعیت متفاوتی پیدا کرده است این اختلافات در زمان تدوین اساسنامه رم و تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی نیز ادامه پیدا کرده است. از یک سو، اساسنامه بر حضور متهم در جریان محاکمه تأکید دارد و از سوی دیگر، در برخی مراحل رسیدگی، مانند مرحله تأیید اتهامات، امکان رسیدگی بدون حضور متهم را در شرایط خاص مورد توجه قرار داده است. همین امر موجب شده است که درباره حدود امکان محاکمه غیابی در دیوان کیفری بین‌المللی، به‌ویژه نسبت میان مقررات مربوط به حضور متهم و موارد استثنایی رسیدگی در غیاب وی، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شود.

در حقوق ایران نیز اصل بر حضوری بودن رسیدگی کیفری است، اما قانونگذار در کنار آن، محاکمه غیابی و آثار آن را پیش‌بینی کرده است. ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری شرایط صدور رأی غیابی و حق واخواهی محکوم‌علیه را بیان کرده و مقررات دیگری همچون ماده ۳۵۰، محدودیت‌هایی را در خصوص رسیدگی در غیاب متهم مقرر کرده‌اند. در این زمینه، صرف غیبت یا حضور فیزیکی متهم تمام مسئله را تشکیل نمی‌دهد، بلکه موضوعاتی مانند نقش وکیل در رسیدگی، کیفیت حضور متهم، لزوم امکان دفاع و آثار رأی غیابی نیز اهمیت پیدا می‌کند که شایسته توجه است.

با توجه به مطالب فوق، مسئله اصلی این پژوهش بررسی جهات و جلوه‌های محاکمه حضوری و غیابی در محاکم کیفری بین‌المللی و نظام حقوقی ایران است. در این راستا، انواع محاکمه در دو نظام حقوقی کامن‌لا و رومی ـ ژرمنی بررسی می‌شود و سپس وضعیت آن در محاکم کیفری بین‌المللی پیش از دیوان کیفری بین‌المللی و در دیوان کیفری بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد. در ادامه نیز مقررات حقوق ایران درباره محاکمه غیابی، شرایط حضوری و غیابی بودن رأی، نقش وکیل، آثار رأی غیابی و امکان واخواهی بررسی خواهد شد.

۱- محاکمه غیابی یا حضوری

از حقوق مسلم متهم می‌باشد تا در جلسه رسیدگی دادگاه حاضر بوده و با اطلاع کامل و کافی از اتهام و ادله و استماع اظهارات شاکی و مدعی‌العموم، به نحو شایسته‌ای از خود دفاع کند و همان‌گونه که می‌دانیم حضور متهم در جلسه محاکمه به عنوان یک حق از لوازم دادرسی منصفانه نیز می‌باشد(شیایزری، ۱۳۹۵، ص ۵۴۲). اصل حضوری بودن دادرسی در اسناد بین‌المللی متعددی از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و اساسنامه‌های دادگاه یوگسلاوی و رواندا مورد تأکید قرار گرفته است. حضوری بودن دادرسی کیفری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «آگاه کردن متهم از فرایند دادرسی کیفری از طریق دعوت او برای حضور در فرایند دادرسی، که به دنبال آن متهم و یا وکیلش در دادرسی حضور پیدا کند یا به ارسال لایحه دفاعی اقدام کنند» (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲).

باید گفت اهمیت محاکمه حضوری و تأکید به آن، به معنای نفی مطلق محاکمه غیابی نخواهد بود، زیرا اعتقاد به عدم امکان تشکیل جلسه دادرسی به دلیل غیبت متهم، موجب خدشه‌دار شدن عدالت می‌شود و حقوق شاکی را تضییع خواهد نمود و می‌تواند امنیت را از جامعه و شهروندان سلب کند، زیرا عدم امکان محاکمه غیابی می‌تواند موجبی باشد تا متهم هیچ‌گاه خود را در سیستم عدالت کیفری حاضر نکند. اینها دلایلی هستند که امروزه محاکمه غیابی در تمام نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است، حتی در نظام حقوقی کامن‌لا که محاکمه ممنوع می‌باشد، در مواردی مشخص این امکان پذیرفته شده است که دادرسی و محاکمه در غیاب متهم صورت گیرد. ابتدا لازم است تا به نگاه دو نظام حقوقی کامن‌لا و رومی ـ ژرمنی در مورد جواز یا عدم جواز محاکمه غیابی متهم و ادله این دو نظام حقوقی در این زمینه توجه کنیم.

یکی از جلوه‌های تمایز بین نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی ـ ژرمنی، جواز یا عدم جواز محاکمه غیابی می‌باشد. در نظام حقوقی کامن‌لا، محاکمات غیابی ممنوع است (کسسه، ۱۳۸۷، ص ۴۵۹). همان‌گونه که می‌دانیم نظام کامن‌لا، یک نظام دادرسی اتهامی می‌باشد و در این نوع نظام برای ممنوعیت محاکمه غیابی دو دلیل را مطرح می‌کنند که عبارت است از: «محاکمه اساساً دوئلی است که میان دو طرف در جریان است، لذا حضور طرف‌های نزاع ضروری است و در غیر این صورت جریان محاکمه به معنای واقعی ادامه پیدا نمی‌کند» (شمس، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴). همچنین عده‌ای ممنوعیت محاکمات غیابی را از این باب می‌دانند که در نظام‌های دیکتاتوری از این مسئله سوءاستفاده می‌شود؛ به عنوان مثال ممکن است دولت‌های غیردموکراتیک، مخالفان سیاسی خود را به صورت غیابی محاکمه کنند تا بتوانند به راحتی آنها را محکوم و مجازات نمایند. باید گفت هرچند در نظام حقوقی کامن‌لا اصل به محاکمه حضوری بوده و محاکمه غیابی ممنوع می‌باشد، ولی بعضاً محاکمه غیابی به عنوان استثنایی به محاکمه حضوری پذیرفته شده است که موارد آن عبارت است از:

۱ .زمانی که متهم با رفتارش جلسه رسیدگی را مختل کند؛

۲ .بعد از حضور در دادگاه به عمد فرار کند تا مانع از پیشرفت روند محاکمه شود (کسسه، ۱۳۸۷، صص ۴۵۷-۴۵۹).همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مورد اول ناظر به زمانی است که متهم در دادگاه حضور یافته، اما رفتار وی مانع از رسیدگی می‌باشد؛ در چنین مواردی دادگاه می‌تواند وی را از جلسه محاکمه اخراج کرده و به رسیدگی ادامه دهد و مورد دوم ناظر به زمانی است که متهم علی‌رغم حضور در دادگاه به عمد فرار می‌کند تا مانع رسیدگی شود، در چنین مواردی نیز دادگاه مجاز شده تا غیاباً رسیدگی را ادامه دهد.

برخلاف نظام حقوقی کامن‌لا، در نظام حقوقی رومی ـ ژرمنی، محاکمه غیابی پذیرفته شده است. به عبارت دیگر در نظام‌های حقوقی مدون در کنار محاکمه حضوری، محاکمه غیابی نیز پیش‌بینی و پذیرفته شده است. علت این جواز را می‌توان این‌چنین مطرح کرد: از آنجایی که در نظام‌های حقوقی مدون، قاضی تحقیق مدارک علیه و له متهم را به صورت توأمان جمع‌آوری می‌کند، امکان محاکمه غیابی وجود دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت اگرچه متهم در جلسه رسیدگی حضور ندارد ولی با توجه به آنکه دلایل به نفع وی به صورت مکتوب نزد قاضی حاضر است، امکان رسیدگی غیابی وجود خواهد داشت. علاوه بر این باید گفت یکی دیگر از دلایلی که رسیدگی غیابی جایز دانسته شده این است که باید عدالت به بهترین شکل اجرا شود و چنانچه متهم علی‌رغم اینکه می‌تواند در محاکمه شرکت کند، برای فرار از چنگال قانون و عدالت، از شرکت در آن خودداری می‌ورزد و امکان محاکمه غیابی نیز وجود نداشته باشد، این به معنای اخلال در عدالت خواهد بود و حق جامعه و بزه‌دیده تضییع خواهد شد. لذا در اینجا باید گفت در مواردی که متهم از جلسه محاکمه خود آگاه بوده و عامداً و عالماً از حضور در آن خودداری کرده است، از حق خود اعراض نموده و به ضرر خویش اقدام کرده است و این منافاتی با حق رسیدگی دادگاه نخواهد داشت (شبث، ۱۳۸۴، صص ۱۵۹-۱۶۰).

۲ .جهات محاکمه حضوری و غیابی در محاکم کیفری بین‌المللی

در این بخش به بحث محاکمه حضوری و جلوه‌ها و شرایط جواز محاکمه غیابی در محاکم کیفری بین‌المللی پرداخته خواهد شد؛ ابتدا جایگاه نوع محاکمه در محاکم کیفری بین‌المللی تا پیش از دیوان کیفری بین‌المللی مطرح و سپس به بحث محاکمه غیابی و حضوری و ملاک جضوری بودن رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی پرداخته خواهد شد.

۲-۱ .حضوری یا غیابی بودن محاکمه در محاکم کیفری بین‌المللی تا پیش از دیوان کیفری بین‌المللی

برخی از محاکم کیفری بین‌المللی در اساسنامه خود در کنار محاکمه حضوری، محاکمه غیابی را نیز پیش‌بینی کرده‌بودند. در اساسنامه دادگاه نورنبرگ محاکمه غیابی صراحتاً پذیرفته شده و شرایط آن مشخص شده بود. ماده ۱۲ اساسنامه دادگاه مذکور در همین زمینه مقرر کرده: «دادگاه برای رسیدگی به جنایات پیش‌بینی شده در ماده ۶ این اساسنامه در غیاب متهم، خواه در صورت یافت نشدن متهم و یا به هر دلیل دیگری که دادگاه بنا به اقتضای عدالت، رسیدگی در غیاب متهم را ضروری تشخیص دهد، صالح خواهد بود». بر اساس همین ماده بود که مارتین بورمن در دادگاه نظامی نورنبرگ محاکمه شد (شبث، ۱۳۸۴، ص ۱۵۹). جنایت مذکور در ماده ۶ که دادگاه می‌تواند در مورد آنها غیاباً رسیدگی کند، عبارت بودند از: جنایت علیه صلح، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اساسنامه دادگاه نورنبرگ اصل را بر محاکمه حضوری گذاشته بود ولی محاکمه غیابی را نیز پیش‌بینی کرده و آن را نه تنها در صورت یافت نشدن متهم، بلکه به هر دلیلی که دادگاه برای تحقق عدالت آن را لازم بشمارد ممکن می‌دانست.

علاوه بر دادگاه نورنبرگ، دادگاه ویژه لبنان نیز محاکمه غیابی را پذیرفته و صراحتاً به آن اشاره کرده است. ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه مذکور مقرر کرده است: «۱- دادگاه محاکمه غیابی متهم را برگزار می‌کند که وی: الف: به طور صریح و کتبی از حق حضور خود انصراف داده باشد. ب: توسط مقامات دولت ذیربط به دادگاه تحویل داده نشده باشد. ج: فرار کرده یا یافت نشود و تمام اقدامات معقول به منظور تأمین حضور وی نزد دادگاه و یا مطلع ساختن وی از اتهامات تأیید شده توسط قاضی علیه وی، انجام گرفته باشد.

۲-دادگاه محاکمه غیابی متهم را در صورتی برگزار می‌کند که الف: متهم از صدور کیفرخواست مطلع باشد و یا کیفرخواست حضوری به وی ابلاغ شده باشد یا اینکه از طریق انتشار در رسانه‌ها یا مکاتبه با کشور محل اقامت یا کشوری که متهم تبعه آن است، از صدور آن آگاهی یافته باشد. ب: متهم وکیلی را برای خود انتخاب کند، وکیلی که به هزینه خود متهم و در صورت عدم توان به هزینه دادگاه از وی دفاع نماید. ج: در صورتی که متهم قادر یا مایل به انتخاب وکیل نباشد، وکیلی توسط دفتر دفاع دادگاه برای حصول اطمینان از دفاع از منافع و حقوق وی انتخاب گردد.

۳- در صورت محکومیت غیابی، متهمی که وکیلش را خودش تعیین نکرده باشد، حق دارد با حضورش مجدداً محاکمه شود مگر اینکه رأی صادره را بپذیرد». دادگاه ویژه لبنان نیز در کنار دادگاه نورنبرگ، صراحتاً در اساسنامه خود محاکمه غیابی را پیش‌بینی کرده است. در این زمینه گفته شده که «غیر از دادگاه ویژه لبنان و نورنبرگ در هیچ یک از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی حق محاکمه غیابی متهمان پیش‌بینی نشده است» (آقایی جنت مکان، ۱۳۸۸، ص ۱۹). اما علی‌رغم گفته فوق، منشور دادگاه توکیو نیز امکان رسیدگی غیابی را در دو مورد پیش‌بینی کرده است. این دو مورد که در ماده ۷۱۲ بند ج منشور مذکور آمده است، عبارتند از: الف: بر هم زدن نظم جلسه رسیدگی توسط متهم یا وکیل او که موجب اخراج آنها از دادگاه شود ب: امکان محاکمه حضوری به هر دلیلی فراهم نباشد(داوید، ۱۳۷۳، ص ۶۶).

در اساسنامه هیچ یک از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی دیگر، به محاکمه غیابی اشاره‌ای نشده است. به عنوان مثال در ماده ۲۱ (۴)(د) اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق آمده بود: «محاکمه باید با حضور متهم انجام شود» و در هنگام تأسیس دادگاه مذکور، دبیرکل سازمان ملل متحد تصریح کرد که دادگاه نمی‌تواند بدون حضور متهم محاکمه را انجام دهد (آقایی جنت مکان، ۱۳۸۸، صص ۲۰-۲۱). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، دبیرکل وقت سازمان ملل، اعتقاد داشته که دادگاه حق محاکمه متهم در غیاب او را نخواهد داشت. شاید این اعتقاد به دلیل تفسیر از متن ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی باشد، در حالی که باید گفت ممنوعیت رسیدگی غیابی در این مورد از ماده ۱۴ استنباط نمی‌شود. در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بخش (د) چنین آمده است: «هرکس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لااقل حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت... د- در محاکمه حاضر شود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل به وی اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضا نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین شود که در صورت عجز او از پرداخت حق‌الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت». بند مذکور در مقام بیان حقوق شخص متهم می‌باشد که یکی از آنها حق حضور در جریان محاکمه و دادرسی می‌باشد، و هیچ دلالتی بر الزامی بودن محاکمه حضوری ندارد. علاوه بر این ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز به محاکمه حضوری اشاره کرده و مقرر می‌کند: «دفاع از خود به وسیله خودش یا از طریق دستیار حقوقی انتخاب شده توسط وی یا در صورتی که قادر به پرداخت هزینه‌های مربوط به استخدام دستیار حقوقی نباشد، دادگاه به اقتضای مصالح اجرای عدالت، دستیار مربوطه را به صورت رایگان در اختیار وی قرار دهد». سؤالی که در اینجا ایجاد می‌شود این است که آیا ماده ۱۴ میثاق به معنای ممنوعیت محاکمه غیابی می‌باشد؟ همان‌گونه که از ظاهر بند ۳ مشخص می‌شود، موارد مذکور در ذیل آن بیانگر حق است و یکی از آنها نیز حق حضور در محاکمه می‌باشد. بنابراین باید گفت این که متهم حق دارد در جلسه محاکمه خود حضور یابد، مطلقاً اختیار دادگاه در رسیدگی غیابی را نفی نمی‌کند، زیرا اگر بپذیریم حق متهم مبنی بر حضور در دادگاه مانع از رسیدگی غیابی می‌گردد، در واقع قائل به این بوده‌ایم که متهم می‌تواند با عدم حضور در جلسه رسیدگی مانع از انجام محاکمه شود (داوید، ۱۳۷۳، صص ۶۳-۶۴).

مسئله مهم در اینجا این است که چنانچه در اساسنامه یک دادگاه کیفری بین‌المللی به محاکمه غیابی اشاره نکرده باشد، آیا امکان محاکمه غیابی متهم وجود دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر عدم پیش‌بینی محاکمه غیابی به معنای تأکید بر محاکمه حضوری بدون جواز رسیدگی غیابی خواهد بود؟به نظر باید قائل بود حضور در جلسه محاکمه یک حق است و فرد می‌تواند از آن اعراض نماید؛ به همین دلیل باید قائل بود در صورتی که متهم از روی عمد در دادگاه حاضر نشود، به عبارت دیگر شخصی که علی‌رغم آگاهی از برگزاری محاکمه و امکان شرکت در آن با اراده خود از این حق اعراض نماید، دادگاه می‌تواند غیاباً به پرونده وی رسیدگی کند (رضوی‌فرد، ۱۳۹۵، ص ۱۶۸). این دیدگاه توسط کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز پذیرفته شده است. این کمیته طی یک اظهار نظر گفته بود که امکان محاکمه غیابی متهم وجود دارد مشروط بر آن که متهم از جریان رسیدگی آگاه بوده و برای حضور در دادگاه جهت دفاع از خود احضار شده باشد (نیکویی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۸). همچنین همان‌گونه که اشاره کردیم تنها در اساسنامه دادگاه‌های نورنبرگ، ویژه لبنان و منشور دادگاه توکیو به محاکمه غیابی اشاره شده و شرایط آن تعیین شده بود، در حالی که اساسنامه هیچ یک از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی دیگر به بحث محاکمه غیابی نپرداخته و به آن اشاره‌ای نکرده اند؛ در این زمینه می‌توان گفت اگر اساسنامه یک دادگاه کیفری به استثنائات حضوری بودن محاکمه اشاره نکند، به معنای مطلق بودن رسیدگی حضوری نخواهد بود و رویه قضایی نیز می‌تواند مشخص کند که چه زمانی می‌توان از این اصل عدول کرد. در همین راستا می‌توان به رویه دادگاه یوگسلاوی سابق اشاره کرد. همان‌گونه که گفتیم در اساسنامه دادگاه مذکور بر حضوری بودن رسیدگی تأکید شده و هیچ اشاره‌ای به محاکمه غیابی صورت نگرفته بود اما شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده بلاسکیچ این‌چنین نظر داد که هرچند رسیدگی غیابی به جرایمی که در صلاحیت دیوان می‌باشد، صحیح نیست لکن اگر متهم در جلسات دادگاه حاضر نشود و این مسئله به عنوان بی‌اعتنایی به دستورات دادگاه تلقی گردد و اجرای عدالت را مخدوش سازد، مجاز می‌باشد (کسسه، ۱۳۸۷، ص ۵۰۱)؛ به عبارتی شعبه تجدیدنظر ضمن تأکید بر حضوری بودن محاکمه و ممنوعیت رسیدگی غیابی معتقد بوده است چنانچه عدم حضور فرد بی‌اعتنایی به دستور دادگاه محسوب شود، به عبارت دیگر چنانچه متهم علی‌رغم امکان حضور در جلسه محاکمه یا آگاهی قبلی، از حضور خودداری نماید، و عدم رسیدگی موجب خدشه‌دار شدن عدالت باشد، دادگاه این مجوز را برای خود قائل شده است که در چنین شرایطی بتواند، علی‌رغم عدم اشاره صریح در اساسنامه، غیاباً به اتهام یا اتهامات وارده رسیدگی نماید. اشاره به رویه دادگاه روآندا نیز می‌تواند مثبت همین دیدگاه باشد؛ ماده ۲۰(۴)(د) اساسنامه دادگاه روآندا تأکید داشت که محاکمه باید با حضور متهم انجام شود، در حالی که هیچ اشاره‌ای به محاکمه غیابی در اساسنامه دادگاه روآندا صورت نگرفته بود. اما در همین دادگاه یکی از متهمان به نام ژان بوسکو بارایاگ‌ویزیا در هیچ یک از جلسات محاکمه خود حاضر نشد. شعبه رسیدگی‌کننده در همین پرونده اظهار داشت که متهم حق دارد در جلسات شرکت کند ولی چون خود از این حق صرف‌نظر کرده، محاکمه ادامه پیدا خواهد کرد (عبداللهی و سایرین، ۱۳۹۶، ص ۳۱۶).

علاوه بر تفسیر رویه قضایی باید گفت گاهی نیز خود اساسنامه می‌تواند راهگشا باشد. به عنوان مثال در ماده ۱۷ (د) اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون گرچه هیچ اشاره‌ای به محاکمه غیابی صورت نگرفته، اما ماده مذکور حضور متهم در جلسه دادرسی را حق وی دانسته است (رنجبریان و ملک‌الکتاب خیابانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱). در اینجا باید گفت اگرچه اساسنامه دادگاه مذکور به محاکمه غیابی اشاره‌ای نکرده است اما این عدم توجه به دادرسی غیابی، به معنای ممنوعیت آن نخواهد بود، زیرا همان‌گونه که اشاره کردیم، این اساسنامه حضور متهم در جریان محاکمه را حق می‌داند و هر آن چیزی که حق باشد می‌توان از آن اعراض نمود، بنابراین حسب سیاق ماده ۱۷ اساسنامه مذکور باید گفت که متهم می‌تواند از حق خود مبنی بر حضور در جلسه دادرسی اعراض کرده و غیاباً محاکمه شود.

در پایان این بخش باید گفت در تمام محاکم کیفری بین‌المللی تا پیش از دادگاه کیفری بین‌المللی اصل بر محاکمه حضوری می‌باشد ولی امکان محاکمه غیابی نیز به صورت استثناء وجود دارد که گاه اساسنامه یک دادگاه این امکان را صریحاً پیش‌بینی کرده و گاهی رویه قضایی یا سیاق و لحن اساسنامه بیانگر این مجوز بوده است.

۲-۲ .محاکمه حضوری یا غیابی در دادگاه کیفری بین‌المللی

در جریان تدوین اساسنامه رم اختلافات زیادی در زمینه تأکید بر لزوم محاکمه حضوری و جواز محاکمه غیابی وجود داشت که علت آن رویه متفاوت دو نظام حقوقی کامن‌لا و رومی ـ ژرمنی بود(صابر، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷). طرفین استدلال‌های خاص خود را داشتند؛ از یک طرف، طرفداران محاکمه غیابی معتقد بودند که با توجه به مشکلات عملی فوق‌العاده‌ای که برای احضار افراد جهت محاکمه در سطح بین‌المللی و در دادگاه‌های بین‌المللی وجود دارد، محاکمه غیابی باید جایز باشد، از طرف دیگر مخالفان محاکمه غیابی قائل بودند از آنجایی که جرایمی که در صلاحیت دیوان کیفری قرار دارد دارای اهمیت فوق‌العاده زیادی هستند، امکان رسیدگی به آنها به صورت غیابی وجود نخواهد داشت، همچنین برگزاری مجدد محاکمه در صورت یافت شدن متهم امری بسیار دشوار است زیرا در چنین حالتی شهود، قربانیان جرم و ... نیز مجدداً باید احضار شوند. باید گفت بحث محاکمه غیابی در جریان طرح اساسنامه رم به عنوان یک انحراف از نظام حقوقی کامن‌لا و یک امر نادرست مطرح می‌شد (شبث، ۱۳۸۴، ص ۱۵۹).

۲-۲-۱- حضوری بودن محاکمه به عنوان اصل در دیوان کیفری بین‌المللی

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در دو ماده ۶۳ و ۶۷ به حضوری بودن محاکمه اشاره شده است. ماده ۶۳ مقرر می‌دارد: «محاکمه باید با حضور متهم صورت گیرد. اگر متهم به اخلال در امر محاکمه مبادرت ورزد، شعبه بدوی می‌تواند دستور اخراج وی را از جلسه بدهد، ولی اگر لازم

باشد باید ترتیباتی را مقرر دارد تا مشارالیه بتواند خارج از شعبه و با استفاده از وسایل ارتباطی، جریان محاکمه را نظاره کرده و توصیه‌های لازم را به وکیل مدافع خود بنماید. چنین اقداماتی فقط در شرایط استثنایی و تنها در زمانی که راه‌حل‌های منطقی غیرمؤثر بوده و فقط برای مدت مورد نیاز اتخاذ می‌گردد». بند چهارم ماده ۶۷ نیز مقرر داشته: «با رعایت بند ۲ ماده ۶۳ و به منظور انجام امر دفاع شخصاً یا از طریق مشاور حقوقی انتخابی خود در محاکمه حضور یابد...». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود علاوه بر ماده ۶۳ که صراحتاً بر حضوری بودن محاکمه تأکید کرده و از واژه «باید» استفاده می‌کند، این بند نیز در مورد حقوق متهم به حضور وی در محاکم اشاره می‌کند که خود بیانگر این است که اصل بر محاکمه حضوری می‌باشد. لذا بر اساس دو ماده فوق باید گفت در دیوان کیفری بین‌المللی اصل بر محاکمه حضوری می‌باشد.

۲-۲-۲ .استثنائات محاکمه حضوری در دیوان کیفری بین‌المللی

هرچند اساسنامه رم بر حضوری بودن محاکمات تأکید کرده است و اصل را حضوری بودن محاکمه می‌داند، اما بر این اصل و قاعده استثنائاتی را وارد کرده است. بند ۲ ماده ۶۳ به عنوان تنها موردی که اساسنامه در آن محاکمه غیابی را پذیرفته است، صراحتاً اعلام می‌دارد: «اگر متهم به صورت مستمر در امر محاکمه اخلال ایجاد کند، شعبه بدوی می‌تواند دستور اخراج وی را از جلسه بدهد .... چنین تدابیری تنها در شرایط استثنائی و زمانی که سایر راه‌حل‌های معقول مؤثر نبوده و فقط برای مدت زمان ضروری و لازم اتخاذ می‌گردد»؛ همان‌گونه که از صراحت بند ۲ مشخص می‌باشد، اخلال مستمر عاملی است که به شعبه بدوی این حق را می‌دهد تا متهم را از جلسه دادرسی اخراج کند، البته باید ذکر کرد همان‌گونه که در این بند مورد اشاره قرار گرفته است، اخراج فرد از محاکمه و جلسه رسیدگی آخرین راه‌حل است و شعبه بدوی تنها در صورتی می‌تواند از این حق استفاده کند که هیچ راه دیگری برای پیش برد جلسه دادرسی وجود نداشته باشد. اگر شعبه رسیدگی‌کننده بخواهد فرد را به دلیل اخلال گسترده از جلسه رسیدگی اخراج کند، ماده ۶۳ برای دفاع از حقوق دفاعی متهم راه‌حلی را پیش‌بینی کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: «..... ترتیبی دهد تا مشارالیه محاکمه را خارج از جلسه دنبال کند و به کمک وسایل ارتباطی دستورات لازم را به وکیل مدافع خود بدهد.....» پیش‌بینی این مسئله در راستای حفظ حقوق متهم می‌باشد، به عبارت دیگر می‌توان گفت اگر شعبه بدوی بخواهد فرد را از جلسه دادرسی اخراج کند، نمی‌تواند وی را از حقوق دفاعی خویش محروم سازد و ماده فوق این امکان را برای متهم شناخته که بتواند فرآیند رسیدگی را دنبال کند و آنچه لازم می‌باشد را به وکیل خود انتقال دهد، اما بنابر ظاهر ماده در اساسنامه رم این تدبیر به عنوان یک الزام در نظر گرفته نشده است (شبث، ۱۳۸۴، ص ۱۶۱).

ایرادی که می‌توان به این ماده وارد دانست، آن است که ماده مذکور هیچ تعریفی از اخلال ارائه نکرده و مصادیق آن را مشخص نکرده است و این به معنی باز گذاشتن دست قضات می‌باشد و می‌تواند زمینه را برای تبعیض و بی‌عدالتی فراهم آورد و باید تدبیری مناسب برای آن اندیشیده شود؛ به عبارتی با توجه به اینکه تدوین جزئیاتی که قضات چگونه می‌بایست چنین اختیاری را اعمال کنند امری دشوار است، آنچه به ذهن خطور می‌کند آن است که از چنین اختیاری استفاده سیاسی شود؛ لذا باید قائل بود تعریف دیوان از اخلال نباید به ابزاری برای محدود کردن حق متهم تبدیل شود(عبداللهی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۳۱۶). همچنین اخراج متهم از جلسه دادرسی جنبه موقت دارد و با تغییر رفتار وی امکان حضور مجدد متهم فراهم می‌شود، لذا با تغییر رفتار متهم، قاضی دیوان باید با تغییر در نظر خود امکان حضور متهم در جلسه را فراهم کند. همچنین این حق برای شعبه بدوی وجود دارد تا مجدداً چنانچه شاهد اخلال مستمر از سوی متهم باشد، وی را از جلسه رسیدگی اخراج نماید. یکی دیگر از مواردی که در اساسنامه دیوان به امکان غیابی بودن اشاره شده است، تأیید اتهامات قبل از محاکمه می‌باشد، که در ماده ۶۱ اساسنامه بدان اشاره شده است. هرچند این ماده ناظر به محاکمه نمی‌باشد، ولی به عنوان یکی از مواردی که در اساسنامه دیوان برای رسیدگی غیابی مورد اشاره قرار گرفته است و با بحث ما مرتبط است، باید مورد توجه قرار گیرد. ماده فوق در بخشی این‌چنین مقرر می‌دارد: «شعبه مقدماتی در موردی می‌تواند رأساً و یا متعاقب درخواست دادستان جلسه‌ای را در غیاب متهم و به منظور تأیید اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آنها را تقاضا کرده است، تشکیل دهد که شخص متهم: الف) حق حضور خود را ساقط کرده باشد؛ ب) فرار کرده یا پیدا نشده و همه اقدامات لازم برای اطمینان از حضورش در دیوان و اطلاع وی از اتهاماتی که به او منتسب است و نیز از جلسه‌ای که به منظور تأیید آن اتهامات تشکیل خواهد شد، صورت گرفته است. در چنین صورتی وکیل به نمایندگی از شخص در جلسه حاضر خواهد شد، به شرط آنکه شعبه مقدماتی این حضور را در راستای اجرای عدالت بداند...».

در مورد ماده ۶۱ که مربوط به تأیید اتهامات است باید گفت این مسئله برای اولین بار در اساسنامه یک دادگاه کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شده است (کسسه، ۱۳۸۷، ص ۵۰۶). همان‌گونه که از این ماده مستفاد می‌شود، رسیدگی غیابی پیش‌بینی شده منوط به آن است که شخص متهم حق خود را جهت حضور ساقط کرده باشد یا فرار کرده یا پیدا نشود، البته مشروط بر آنکه اطمینان کامل وجود داشته باشد که وی از جریان محاکمه خود اطلاع کامل داشته و فقط در صورت اطلاع وی، اساسنامه اجازه این رسیدگی غیابی جهت تأیید اتهامات را صادر کرده است. سؤال اساسی اینجاست که آیا می‌توان از شرایط گفته شده در ماده ۶۱ اساسنامه رم جهت تجویز محاکمه غیابی در دیوان کیفری بین‌المللی نیز استفاده کرد، به عبارت دیگر می‌توان گفت متهم می‌تواند به میل خود در جریان محاکمه حاضر نشود؟

ماده ۶۳ همان‌گونه که به آن اشاره شد پس از اشاره صریح به حضوری بودن محاکمه، تنها استثناء آن یعنی اخلال مستمر را مطرح می‌کند و هیچ مورد دیگری برای رسیدگی غیابی در نظر نگرفته است، از طرف دیگر ماده ۶۱ در صورت وجود برخی شرایط، امکان رسیدگی غیابی را جهت

تأیید اتهامات مجاز دانسته است. دو نظر را می‌توان در این خصوص از یکدیگر تفکیک کرد: اول آنکه با توجه به اینکه نویسندگان اساسنامه رم غیر از استثنای موجود در ماده ۶۳ به هیچ مورد دیگری جهت تجویز محاکمه غیابی اشاره نکرده‌اند، حتی اگر متهم با میل خودش در جلسه محاکمه حاضر نشود، امکان رسیدگی غیابی وجود نخواهد داشت، اما از طرف دیگر نیز می‌توان گفت یکی دیگر از مواردی که در آن محاکمه غیابی اجازه داده شده است، این می‌باشد که متهم با میل و اراده خود از حضور در جریان محاکمه انصراف دهد؛ همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، کمیته حقوق بشر نیز این دیدگاه را می‌پذیرد و معتقد است چنانچه متهم به حد کافی از قبل نسبت به جلسه دادرسی مطلع بوده و تصمیم بگیرد که از حق خود مبنی بر حضور در محاکمه انصراف دهد، محاکمه غیابی جایز است، مشروط بر آنکه جلسه رسیدگی از قبل به اطلاع وی رسیده باشد، بنابراین در چنین شرایطی و چنانچه فرد کاملاً از جریان محاکمه خود مطلع بوده و علی‌رغم آن از حضور امتناع کند باید گفت فرد بر ضرر خود اقدام کرده است.

در مقام داوری باید نظر دوم را پذیرفت زیرا فلسفه ایجاد دادگاه کیفری بین‌المللی رسیدگی به جنایات بین‌المللی و جرایم مهم من جمله نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی است و اینکه عدم حضور متهم در جریان محاکمه مانع رسیدگی باشد برخلاف عدالت کیفری است. زیرا مجرمان جرایم مذکور در اساسنامه دیوان افراد بسیار خطرناکی بوده و در اکثر موارد جنایات آنها محرز و مسلم است و چون این افراد علم دارند در صورت محاکمه با مجازات‌های سنگینی روبه‌رو خواهند شد، این اعتقاد که عدم حضور مانع رسیدگی و محاکمه می‌باشد، هدف و فلسفه دیوان کیفری بین‌المللی را زیر سؤال می‌برد. این دیدگاه توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز اتخاذ شده است. این دادگاه ضمن جایز دانستن محاکمه غیابی برای تضمین حقوق متهم تدابیری را مدنظر قرار داده است:

۱ .متهم قبلاً از اتهام آگاه شده باشد؛

۲ .دلایل بیانگر غیبت عمدی وی باشد؛

۳ .حق حضور متهم در هر لحظه از دادرسی و درخواست از سرگیری آن حتی اگر محکوم شده باشد، حفظ شود؛

۴ .متهم باید حق برخورداری از وکیل و دفاع به وسیله او را داشته باشد (فضائلی، ۱۳۹۷، ص ۳۵۰).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود دادگاه اروپایی حقوق بشر با در نظر گرفتن یک سری شرایط اجازه محاکمه غیابی را داده است که نزدیک است به آنچه در ماده ۶۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است. اگرچه این ماده و شرایط آن برای رسیدگی غیابی فقط ناظر به تأیید اتهامات است که قبل از محاکمه می‌باشد، اما برای حفظ اهداف دیوان کیفری بین‌المللی و تحقق عدالت و جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مجرمین خطرناک در جامعه جهانی باید آن را ناظر به مرحله محاکمه نیز بدانیم، همان‌گونه که در مورد محاکم کیفری بین‌المللی نیز اشاره کردیم؛ به عنوان مثال دادگاه روآندا در پرونده باراياگ‌ویزیا که در جلسه محاکمه خود حاضر نشده بود، اعلام کرد، نظر به اوضاع و احوال قضیه، چون متهم به نحو شایسته‌ای از جریان محاکمه خویش آگاه شده است، نه مقررات اساسنامه و نه قواعد حقوق بشر هیچ‌کدام مانع از آن نمی‌شود که رسیدگی به اتهامات متهم در غیاب وی انجام شود (خلجی، ۱۳۸۶، ص ۹۶).

یکی دیگر از استثنائات حضوری بودن محاکمه در دیوان کیفری بین‌المللی بند ۴ ماده ۱۳۴ آیین دادرسی و ادله دیوان می‌باشد. این بند افرادی که دارای مشاغل عمومی فوق‌العاده و در عالی‌ترین سطح هستند را در جایگاهی قرار می‌دهد که بتوانند در جلسه دادرسی خود شرکت نکنند. شاید این‌طور به نظر برسد که بند فوق با مواد اساسنامه دیوان که بر برابری و عدم تأثیر سمت بر مسئولیت کیفری تأکید می‌کنند، در تعارض باشد. ماده ۲۷ اساسنامه دیوان در زمینه عدم تأثیر سمت افراد در مسئولیت کیفری این‌چنین مقرر می‌کند: «این اساسنامه نسبت به همه افراد بدون در نظر گرفتن سمت رسمی آنان و بدون هیچ تبعیضی اجرا خواهد. به طور مشخص سمت رسمی رئیس دولت، یک عضو دولت یا مجلس، نماینده انتخابی یا نماینده یک دولت به هیچ وجه یک شخص را از مسئولیت کیفری که به موجب این اساسنامه بر عهده دارد معاف نخواهد کرد ...».علاوه بر ماده ۲۷ که صراحتاً بر عدم تأثیر موقعیت متهم بر صلاحیت دیوان و مسئولیت وی تأکید می‌کند، صدر ماده ۶۷ نیز دلالت بر برابری تمام متهمان دارد. با توجه به مطالب فوق، آیا می‌توان گفت بند ۴ ماده ۱۳۴ آیین دادرسی و ادله دیوان در تعارض با مواد فوق می‌باشد یا خیر؟ بند سوم ماده ۶۷ اساسنامه دیوان در زمینه حقوق متهم، حضور در محاکمه را حق متهم معرفی کرده است، لذا باید گفت حضور در محاکمه یک امتیاز است که وجود آن برای متهم در اساسنامه مورد تأکید قرار گرفته است. لذا شاید نتوان گفت بند ۴ ماده ۱۳۴ امتیاز خاصی برای متهمین دارای موقعیت‌های عالی قائل شده که باعث برتری آنان بر سایر متهمان باشد، زیرا این محاکمه حضوری است که حقوق دفاعی متهم را به بهترین شکل ممکن تضمین می‌کند، بنابراین باید گفت این حق با توجه به وظیفه شغلی این افراد در نظر گرفته شده است و در تعارض با دیگر مواد اساسنامه دیوان که به آنها اشاره شده نمی‌باشد. اما در حقیقت باید قائل بود مسئله مطرح شده در بند ۴ ماده ۱۳۴ نباید به صورت مستمر پذیرفته شود یا اینچنین تفسیر شود که عدم حضور به معنای عدم صدور رأی می‌باشد، به عبارت دیگر باید گفت این مسئله کاملاً موردی خواهد بود و ناظر به حق عدم حضور در تمام جلسات رسیدگی نخواهد بود و به علاوه حق بر عدم حضور در این خصوص به معنای عدم رسیدگی و اتخاذ تصمیم از سوی دیوان کیفری بین‌المللی نخواهد بود؛ زیرا در غیر این صورت نوعی مصونیت برای افراد دارای مقامات عالی ایجاد می‌شود که کاملاً برخلاف مواد و روح اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی خواهد بود.

۲-۳-۱. حضوری بودن یا حضور فیزیکی

مسئله اصلی‌ای که باید در اینجا مطرح کرد این است که چه زمانی می‌توان از محاکمه حضوری صحبت کرد، به عبارت دیگر ملاک اینکه یک محاکمه را حضوری بدانیم چیست؟ به نظر باید بین محاکمه حضوری و صرف حضور فیزیکی در محاکمه قائل به تفکیک شد. ملاک حضوری بودن محاکمه، صرف حضور فیزیکی نیست، بلکه متهم باید در شرایطی باشد که نسبت به جریان محاکمه و رسیدگی معرفت داشته باشد، به عبارت دیگر باید گفت که حضور در دادگاه چیزی فراتر از یک حضور فیزیکی صرف می‌باشد. به همین دلیل است که گفته شده متهمی که جریان دادرسی را درک نمی‌کند در واقع در محاکمه حضور ندارد (عبداللهی و سایرین، ۱۳۹۶، ص ۳۱۶). در همین راستا ماده ۶۷ (۱)(و) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی حق دسترسی به مترجم را برای متهم به رسمیت شناخته است. زیرا چنانچه رسیدگی دادگاه به زبانی باشد که متهم نمی‌تواند آن را درک نماید، لازم است بتواند به ترجمه‌ای قابل درک از آن دسترسی پیدا کند (شبث، ۱۳۸۴، صص ۱۵۹-۱۶۱)؛ در غیر این صورت نمی‌توان از محاکمه حضوری سخن گفت.

این مسئله در مورد حق سکوت متهم نیز قابل بررسی است؛ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای متهم حق سکوت را نیز پیش‌بینی کرده است. بند (۲) از ماده ۵۵ در این زمینه مقرر می‌کند: «می‌تواند سکوت اختیار کند، بدون اینکه آنکه چنین سکوتی دلالت بر مجرمیت یا بی‌گناهی وی داشته باشد».

حال اگر متهم از این حق خود استفاده کند و علی‌رغم حضور در محاکمه و جلسه رسیدگی، سکوت اختیار کند، آیا در این صورت محاکمه غیابی خواهد شد؟ باید گفت عدم دفاع و سکوت کردن نمی‌تواند جلسه دادرسی را از حضوری به غیابی تبدیل کند، زیرا متهم در جلسه حضور دارد و جریان رسیدگی را کاملاً درک می‌کند و در چنین حالتی از حق خود مبنی بر دفاع از خویش اعراض کرده و از حق دیگری یعنی سکوت استفاده کرده است، لذا باید گفت در چنین حالتی کاملاً محاکمه حضوری می‌باشد.

همچنین باید اضافه کرد، چنانچه متهم در جلسه رسیدگی حاضر شود ولی از سلامت روحی و روانی برخوردار نباشد، نمی‌توان جریان محاکمه را حضوری دانست (عبداللهی و سایرین، ۱۳۹۶، ص ۳۱۶)، زیرا وی علی‌رغم حضور در جلسه نمی‌توانسته فرآیند رسیدگی را به درستی درک کرده و آن‌چنان که لازم بوده است از خود دفاع کند. لذا باید قائل بود که صرف حضور فیزیکی متهم در جلسه دادرسی موجب آن نخواهد داشت که محاکمه مطلقاً حضوری محسوب شود، بلکه برای حضوری محسوب شدن محاکمه لازم است که متهم فرآیند دادرسی را به طور کامل درک کند.

مسئله حائز اهمیت دیگر آن است که آیا فقط حضور فیزیکی متهم می‌تواند منجر به حضوری محسوب شدن محاکمه باشد یا در صورت عدم حضور متهم ولی با شرایطی نیز می‌توان از محاکمه حضوری سخن گفت؟ به عبارت دیگر آیا تنها حضور فیزیکی شرط حضوری به حساب آمدن محاکمه است یا راه‌های دیگری نیز برای این مسئله وجود دارد؟ ماده ۱۳۴ آیین دادرسی و ادله دیوان در این خصوص اظهار نظر کرده است. بند دوم ماده فوق مقرر می‌دارد: «متهمی که به دیوان احضار شده باشد می‌تواند کتباً از شعبه بدوی بخواهد اجازه دهد تا از طریق ارتباط ویدئویی در یک یا چند جلسه از محاکمه‌اش شرکت نماید». هرچند این بند در مورد تمام متهمان قابل اعمال نخواهد بود زیرا همان‌گونه که از صراحت آن مشخص است فقط ناظر به افرادی است که به دیوان احضار شده باشند، لذا این بند شامل افرادی که برای آنها قرار جلب صادر شده است نخواهد بود. از طرف دیگر فرد در چنین حالتی باید درخواست خود را کتباً به شعبه بدوی تقدیم کند و صرف این درخواست نیز کفایت نمی‌کند بلکه این شعبه بدوی است که باید موافقت خود با این درخواست را اعلام دارد. از طرفی سؤال دیگری که در مورد این بند ایجاد می‌شود آن است که بند فوق صراحتاً اعلام نداشته که برقراری ارتباط ویدئویی به منزله محاکمه حضوری می‌باشد، حال آیا باید اعتقاد داشت که برقراری چنین ارتباطی، محاکمه را حضوری خواهد کرد؟ به نظر می‌رسد با توجه به اینکه انتهای بند دوم ماده ۱۳۴ صراحتاً از عبارت «شرکت نماید» استفاده کرده است، باید گفت فرد در حالتی که مشخص شده، در جلسه محاکمه خود شرکت کرده است. لذا در چنین حالتی نیز محاکمه حضوری محسوب می‌شود. برای اینکه شعبه بدوی اجازه برگزاری جلسه محاکمه به شکل مذکور در بند ۲ را بدهد باید شرایط مصرح در قانون وجود داشته باشد. بند ۳ ماده ۱۳۴ شرایط چهارگانه‌ای را مطرح کرده که عبارتند از:

۱ .وجود شرایط استثنایی که این غیبت را توجیه می‌کند؛

۲ .سایر تدابیر همچون تغییر تاریخ جلسه، تعویق جلسه دادرسی کارساز نباشد؛

۳ .انصراف صریح متهم از حضور در جلسه اعلام شده باشد؛

۴ .حقوق متهم به صورت کامل در غیابش تضمین گردد.

همان‌گونه که از بند دوم فهمیده می‌شود، اصل بر حضور فیزیکی متهم در جلسه محاکمه می‌باشد و شعبه رسیدگی‌کننده در ابتدا مکلف است تمام امکانات لازم از جمله تغییر در ساعت جلسه را به کار ببرد تا جریان دادرسی با حضور فیزیکی متهم انجام شود و چنانچه راهی برای برگزاری محاکمه با حضور متهم وجود نداشته باشد، می‌تواند در کنار سایر شرایط محاکمه را به شکل مذکور در این ماده برگزار کند، که در این حالت نیز محاکمه متهم حضوری خواهد بود.

۳ . محاکمه حضوری یا غیابی در نظام دادرسی کیفری ایران

در محاکم کیفری بین‌المللی اصل بر محاکمه حضوری است و محاکمه غیابی به صورت استثناء و در شرایطی که مورد اشاره قرار گرفت پذیرفته شده است. در این بخش به جایگاه محاکمه حضوری و غیابی در نظام کیفری ایران پرداخته خواهد شد و ضمن بیان این مسئله که در حقوق ایران اصل بر محاکمه حضوری می‌باشد، موارد جواز محاکمه غیابی در قانون آیین دادرسی کیفری مطرح و همچنین تفاوت حضور فیزیکی متهم با محاکمه حضوری در نظام کیفری ایران و همچنین به نقش وکیل در حضوری محسوب شدن جریان رسیدگی اشاره شده و در انتهای این بخش آثار محاکمه غیابی تحلیل خواهد شد.

۳-۱. تأکید بر محاکمه حضوری

با توجه به اینکه ایران نیز در زمره کشورهای حقوق نوشته است، در قوانین ایران محاکمه غیابی، در کنار محاکمه حضوری مورد پذیرش واقع شده است. ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند...». زمانی حقوق متهم به بهترین شکل تضمین می‌شود که در جلسه دادرسی حاضر شود، ادله طرف مقابل را استماع کرده و از خود دفاع نماید یا وکیلش را برای انجام این امور به دادگاه بفرستد، اما از آنجا که همیشه امکان رسیدگی حضوری فراهم نیست، قانون در مواردی امکان رسیدگی غیابی را پیش‌بینی کرده است. مستند به ماده ۴۰۶ قانون آیین دارسی کیفری، زمانی که متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، در این صورت رأی دادگاه غیابی محسوب می‌شود. از متن ماده فوق‌الذکر مشخص است که محاکمه غیابی فقط در مورد متهم است و در خصوص شاکی همواره جریان سیدگی حضوری خواهد بود.

در مورد اینکه در حقوق داخلی ایران اصل بر محاکمه حضوری است یا خیر؟ باید گفت در نظام حقوقی ایران در امور کیفری، همچون محاکم کیفری بین‌المللی اصل بر محاکمه حضوری است؛ به عبارت دیگر اصل بر آن است که محاکمه و جلسه دادرسی باید با حضور متهم صورت گیرد؛ هرچند قانون آیین دادرسی کیفری برای حضوری محسوب شدن محاکمه ملاک خاصی را در نظر گرفته است، باید گفت طبق ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری اگر متهم یا وکیلش در یک جلسه دادرسی شرکت کنند یا حتی فقط یک لایحه از جانب هر کدام از آنها برای مرحله دادرسی دادگاه تقدیم شود، تمام جریان محاکمه حضوری محسوب شده و به تبع آن رأی صادره حضوری می‌باشد. بنابراین حضور در دفتر دادگاه برای اموری مانند آگاهی از اطلاعات پرونده یا تقدیم لایحه برای مرحله تحقیقات مقدماتی موجب حضوری شدن رأی نخواهد بود (خالقی، ۱۳۹۷، صص ۱۴۷-۱۴۸). در مرحله بدوی اصل بر رسیدگی حضوری است. در همین زمینه ماده ۳۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «فاصله بین ابلاغ احضاریه تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک هفته باشد. هرگاه متهم عذر موجهی داشته باشد جلسه رسیدگی به وقت مناسبی موکول می‌شود». ماده ۳۴۴ قانون مذکور نیز مقرر کرده: «هرگاه ابلاغ احضاریه به علت معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و به طریق دیگر نیز ابلاغ احضاریه مقدور نشود، وقت رسیدگی تعیین و مفاد احضاریه یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی یا محلی آگهی می‌شود. تاریخ انتشار آگهی تا روز رسیدگی نباید کمتر از یک ماه باشد». این ماده نیز بر حضوری بودن محاکمه تأکید می‌کند و اشاره می‌کند هر راهی که ممکن است باید برای ابلاغ احضاریه به متهم انجام شود و چنانچه هیچ راه دیگری وجود نداشته باشد، وقت رسیدگی به صورت آگهی منتشر می‌شود. به عبارت دیگر قانونگذار تمام تلاشش کرده تا محاکمه به صورت حضوری انجام شود یا لااقل وقت و زمان رسیدگی به اطلاع متهم برسد و این تلاش در حقیقت برای رسیدن به دادرسی منصفانه بوده است. همچنین ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری نیز بیانگر حضوری بودن رسیدگی می‌باشد، علاوه بر تأکید صدر ماده بر ترافعی بودن رسیدگی، بند (ت) صراحتاً مقرر می‌دارد: «پرسش از متهم راجع به قبول یا رد اتهام انتسابی و استماع دفاعیات متهم و وکیل او که عیناً توسط منشی در صورت مجلس قید می‌شود». همان‌گونه که مشخص است، یکی از ترتیبات رسیدگی، پرسش از متهم و استماع دفاعیات وی می‌باشد که خود بیانگر آن است که در نظام حقوقی ایران اصل بر حضوری بودن محاکمه می‌باشد. هرچند همان‌گونه که در تعریف محاکمه غیابی دانستیم، تنها حضور متهم در جلسه دادرسی موجب حضوری شدن محاکمه نخواهد بود و حتی اگر متهم یا وکیل وی برای جلسه دادرسی لایحه نیز ارسال کنند، محاکمه حضوری می‌باشد.

علی‌رغم تأکید بر حضوری بودن رسیدگی در نظام حقوقی ایران در امور کیفری، استثنائاتی نیز در این زمینه وجود دارد و قانونگذار بعضاً محاکمه غیابی را تجویز کرده است.

۳-۲ .جلوه‌هایی از محاکمه غیابی در حقوق کیفری ایران

پیش از ورود به مواردی که قانونگذار، انجام محاکمه غیابی در آنها را ممکن دانسته است، باید اشاره کرد که برگزاری محاکمه غیابی و به تبع آن صدور رأی غیابی فقط در جرایم حق‌الناسی جایز می‌باشد. ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه این‌چنین مقرر کرده:« در تمام جرایم، به استثنای جرایمی که فقط جنبه حق‌الله دارند، هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی رأی غیابی صادر می‌کند...». البته تنها در یک مورد دادگاه مجاز است در جرایم حق‌اللهی نیز اقدام به صدور رأی غیابی نماید، آن هم تبصره ۳ ماده ۴۰۶ می‌باشد که مقرر می‌کند:«در جرایمی که فقط جنبه حق‌الله دارند، هرگاه محتویات پرونده مجرمیت متهم را اثبات نکند و تحقیق از متهم ضروری نباشد، دادگاه می‌تواند بدون حضور متهم، رأی بر برائت او صادر کند».

با توجه به ماده ۴۰۶ می‌توان گفت، چنانچه جرمی هم جنبه حق‌اللهی داشته باشد و هم جنبه حق‌الناسی، دادگاه می‌تواند نسبت به جنبه حق‌الناسی آن غیاباً رسیدگی و رأی مقتضی را صادر نماید، زیرا هم صدر ماده و هم تبصره ۳ آن بر عبارت «فقط جنبه حق‌اللهی دارند» تأکید

کرده‌اند. شاید هم بتوان گفت اگر جرمی فقط جنبه حق‌اللهی نداشته باشد، به عبارت دیگر علاوه بر جنبه حق‌اللهی، جنبه حق‌الناسی نیز داشته باشد، دادگاه می‌تواند به هر دو جنبه جرم به صورت غیابی رسیدگی کند، زیرا تأکید ماده فوق برای ممنوعیت رسیدگی غیابی فقط برای جرایمی است که فقط جنبه حق‌اللهی دارند؛ که به نظر باید رویکرد دوم را صحیح دانست.

جلوه‌های مختلفی از محاکمه غیابی که در قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان استثنائی بر محاکمه حضوری مطرح شده است:

یکی از موارد جواز رسیدگی غیابی عدم لزوم حضور متهم در فرآیند رسیدگی دادگاه است؛ طبق ماده ۳۴۵ چنانچه متهم بدون عذر موجه حاضر نشود و دادگاه حضور وی را لازم نداند، دادگاه می‌تواند در غیر از جرایم حق‌اللهی صرف، غیاباً وی را محاکمه کرده و رأی مقتضی صادر نماید.

یکی دیگر از موارد جواز رسیدگی غیابی، ماده ۳۶۵ قانون مذکور می‌باشد که مقرر می‌کند: «هرگاه در پرونده‌ای، متهمان متعدد باشند و یا متهم اصلی، شریک و معاون داشته باشد، حتی اگر به یک یا چند نفر از آنان دسترسی نباشد، دادگاه مکلف به رسیدگی و صدور رأی است، مگر اینکه رسیدگی غیابی جایز نباشد یا نسبت به برخی متهمان به هر دلیل نتوان رأی صادر کرد. در این صورت دادگاه پرونده را نسبت به این متهمان مفتوح نگه می‌دارد». طبق این ماده، چنانچه شرایط صدر ماده موجود باشد دادگاه مکلف به رسیدگی غیابی می‌باشد مگر آنکه رسیدگی غیابی جایز نباشد، مثلاً در جرایم حق‌اللهی صرف، یا هرگاه نتوان نسبت به غایبان، غیاباً رسیدگی کرده و حکم صادر کرد.

یکی دیگر از مواردی که قانونگذار به موجب آن اجازه محاکمه غیابی را داده است، رعایت مصلحت فردی است که به سن بلوغ نرسیده باشد. ماده ۴۱۴ قانون مذکور مقرر می‌کند:«هرگاه مصلحت طفل موضوع تبصره (۱) ماده (۳۰۴) این قانون اقتضاء کند، ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید. رأی دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می‌شود». در این خصوص برخی معتقدند تأکید ماده بر اینکه رأی صادره در هر حال حضوری محسوب می‌شود از آن جهت است که در محاکمه طفل همواره ولی یا سرپرست او یا وکیل وی حضور دارند و به همین دلیل است که محاکمه او همواره حضوری می‌باشد (زراعت، ۱۳۹۰، ص ۷۲۹)، اما به نظر باید قائل بود بنابر صراحت ماده ۴۱۴ رأی صادره در مورد طفل در هر حال و صرف نظر از حضور یا عدم حضور ولی یا سرپرست طفل یا وکیل وی، حضوری محسوب می‌شود. به رسیدگی غیابی در مواد دیگری از جمله ماده ۳۵۰ و ۳۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره شده است.

در آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح نیز ماده ۶۱۶ رسیدگی غیابی را پیش‌بینی کرده است؛ هرچندماده ۶۳۰ استثنایی بر رسیدگی غیابی در خصوص جرایم نیروهای مسلح مطرح کرده و مقرر می‌دارد: «در جرم فرار از خدمت تا زمانی که استمرار آن قطع نشده است، رسیدگی غیابی صورت نمی‌گیرد».

در مرحله بدوی، طبق نظام حقوقی ما، اصل بر رسیدگی و محاکمه حضوری است؛ هرچند قانونگذار استثنائاتی را در این خصوص پیش‌بینی کرده است. محاکمه غیابی در مرحله تجدیدنظر نیز مورد اشاره قانون آیین دادرسی کیفری قرار گرفته؛ ماده ۴۶۱ در همین زمینه این‌چنین مقرر می‌کند:« در مواردی که رأی دادگاه تجدیدنظر استان بر محکومیت متهم باشد و متهم و یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی نخستین و تجدیدنظر حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه هم نداده باشد، رأی دادگاه تجدیدنظر استان ظرف بیست روز پس از ابلاغ واقعی به متهم یا وکیل او، قابل واخواهی و رسیدگی در همان دادگاه است. رأیی که در این مرحله صادر می‌شود، قطعی است». همچنین این مسئله حائز اهمیت است که برخلاف رسیدگی بدوی، عدم حضور در جلسه دادگاه تجدیدنظر و عدم تحویل لایحه دفاعیه مطلقاً مانع از رسیدگی در مرحله تجدیدنظر نخواهد بود (بند ث ماده ۴۵۰).

۳-۳ .تأثیر حضور وکیل بر حضوری بودن رأی در نظام دادرسی کیفری ایران

طبق قوانین ایران، برای حضوری محسوب شدن رأی، حضور فیزیکی شخص متهم لازم نیست، بلکه حضور وکیل وی، همانگونه که در ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز این مسئله پذیرفته شده است، یا تقدیم لایحه دفاعیه از سوی متهم یا وکیل وی، برای حضوری محسوب شدن محاکمه و به تبع آن حضوری محسوب شدن رأی کفایت می‌کند. از آنجایی که طبق قانون ما، حتی حضور وکیل یا تقدیم لایحه دفاعیه از سوی وی در مرحله دادرسی دادگاه، به معنای حضوری بودن محاکمه و به تبع آن حضوری محسوب شدن رأی می‌باشد، اگر در پرونده‌ای متهم چند وکیل داشته باشد، برای حضوری محسوب شدن محاکمه باید تمام وکلا حاضر شوند یا حضور یکی از آنها کافی می‌باشد یا چیز دیگری ملاک است؟ ماده ۳۴۶ در این زمینه مقرر می‌کند:«در تمام امور کیفری طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافیست». این مسئله به صورت مشابه در ماده ۳۸۶ نیز مورد تأکید واقع شده است. مواد نامبرده اطلاق دارند و فارغ از هر چیزی و هرگونه استثنایی، در صورت تعدد وکیل، فقط حضور یکی را برای تشکیل جلسه و رسیدگی کافی می‌دانند. به نظر می‌رسد باید گفت اگر در فرض سؤال ما، تنها یکی از وکلای متهم در جلسه حاضر شود، صرف نظر از هرگونه توافق شخصی و خصوصی که بین طرفین بوده است، محاکمه حضوری محسوب و به تبع آن رأی دادگاه حضوری می‌باشد.

مسئله چالش‌برانگیزی که در این بخش وجود دارد، آن است که با توجه به اینکه حضور وکیل یا تقدیم لایحه دفاعیه از جانب وی، برای حضوری شدن محاکمه کافی است، آیا این امر مختص وکیل تعیینی است یا وکیل تسخیری را نیز در بر می‌گیرد؟

در مورد این مسئله دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، برخی قائل هستند که مواد قانونی به وکیل اشاره کرده است و تفاوتی میان وکیل تعیینی و تسخیری ندانسته است، از طرف دیگر برخی قائل می‌باشند که زمانی حضور وکیل می‌تواند موجب حضوری محسوب شدن محاکمه باشد که وکیل تعیینی باشد و این مسئله در خصوص وکیل تسخیری صدق نمی‌کند(خالقی، ۱۳۹۸، صص ۴۷۷-۴۷۸).

به نظر می‌رسد، آنهایی که معتقدند حضور وکیل تسخیری یا تقدیم لایحه دفاعیه از جانب وی، موجب حضوری شدن محاکمه نخواهد بود، بر این باورند که وکیل تسخیری با اراده متهم مشخص نشده است لذا او نمی‌تواند به جانشینی از متهم، در جلسه رسیدگی حاضر شود یا لایحه دفاعیه بفرستد، بنابراین هرچند وکیل تسخیری از متهم دفاع کرده باشد ولی باز هم اقدامات او موجب حضوری محسوب شدن رسیدگی و رأی نخواهد بود. در مقابل نیز همان‌گونه که گفتیم ممکن است برخی با استناد به اینکه در قانون آیین دادرسی کیفری به وکیل اشاره شده است و قانونگذار هیچ تفکیکی بین وکیل تعیینی و تسخیری قائل نشده است، بگویند لفظ وکیل در ماده ۴۰۶ ناظر به وکیل تسخیری نیز بوده و هر دو را در برمی‌گیرد.

به نظر می‌رسد بتوان دیدگاه سومی را در این زمینه مطرح کرد؛ زمانی که دادگاه بدون درخواست یا اراده متهم اقدام به تعیین وکیل می‌نماید (من جمله ماده ۳۴۸) و زمانی که متهم خود درخواست تعیین وکیل تسخیری را داشته باشد یا پس از تعیین وکیل تسخیری از سوی دادگاه، با وی همکاری نماید. ماده ۳۴۷ در همین زمینه مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین شود، دادگاه در صورت احراز عدم تمکن متقاضی از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیکترین حوزه قضایی، برای متهم وکیل تعیین می‌نماید...». می‌توان گفت زمانی که متهم، خود تقاضای وکیل تسخیری نموده است یا پس از تعیین وکیل تسخیری از سوی دادگاه، با وی همکاری کرده باشد، به منزله وکیل تعیینی خواهد بود ولی چنانچه دادگاه بدون درخواست یا اراده متهم اقدام به تعیین وکیل نماید، در چنین صورتی می‌توان گفت وکیل تسخیری، هرچند اقداماتش به منزله دفاع از متهم باشد ولی جانشین وی محسوب نخواهد شد و از همین رو همچنان رأی غیابی می‌باشد. در تأیید این نظر می‌توان به تبصره ۲ ماده ۱۳ اشاره کرد که مقرر می‌دارد:«هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود مگر آن که در جرایم حق‌الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند، در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید، در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتکابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد». همان‌گونه که در صدر این تبصره نیز مورد تأکید واقع شده است، چنانچه متهم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تعقیب و دادرسی تا زمان افاقه به تأخیر خواهد افتاد. این تبصره یک استثناء را مطرح می‌کند و آن زمانی است که ادله اتهامی به گونه‌ای می‌باشد که فرد در صورت افاقه نیز نمی‌تواند از خود رفع اتهام نماید، در چنین حالی وی یا قیم یا سرپرست قانونی متهم باید در مهلتی مقرر اقدام به تعیین وکیل نماید و در غیر این صورت دادگاه خود اقدام به تعیین وکیل تسخیری می‌نماید.

اما نکته جالب اینجاست که حالت پیش‌بینی شده در این تبصره در جمع با تبصره ۱ ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، فقط منحصر در جرایم حق‌الناسی است و این خود می‌تواند نشانه‌ای باشد از اینکه در چنین مواردی رسیدگی و رأی دادگاه علی‌رغم تعیین وکیل تسخیری غیابی می‌باشد؛ چراکه اگر صرف حضور وکیل اعم از تعیینی یا تسخیری می‌توانست موجب حضوری شدن رأی باشد، این مورد باید در حدودی که جنبه حق‌اللهی دارند نیز صدق می‌کرد نه اینکه تبصره ماده مذکور از قانون مجازات اسلامی صراحتاً جنون قبل از صدور حکم قطعی را در حدود حق‌اللهی مانع رسیدگی بداند. لذا با این حرف موافقیم که «فرستادن وکیل، اعم از این است که خود متهم مستقیماً او را به وکالت انتخاب کرده باشد، یا به درخواست او دادگاه کسی را برای وکالت او معین نماید. به عبارت دیگر منظور این است که هرگاه از طرف متهم به هیچ وجه نسبت به دعوی در جلسه رسیدگی دفاعی به عمل نیامده باشد، حکم نسبت به او غیابی و قابل واخواهی خواهد بود و اگر دفاعی به عمل آمده باشد، اگرچه به واسطه وکیل فرستاده شده از طرف خودش و یا انتخابی دادگاه به درخواست او باشد، حکم حضوری محسوب می‌شود» (زراعت، ۱۳۹۰، ص ۷۹۰). به عبارتی زمانی دفاع وکیل از متهم موجب حضوری شدن رسیدگی و رأی خواهد بود که وکیل انتخاب شخص متهم باشد یا دادگاه به تقاضای او انتخاب کرده باشد؛ همین مسئله در ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان نیز مورد اشاره قرار گرفته و تأکید شده بود متهمی که وکیلش را خودش تعیین نکرده باشد حق دارد با حضورش مجدداً محاکمه شود.

۳-۴ .حضور مؤثر متهم و آثار آن بر حضوری بودن محاکمه

در نظام دادرسی کیفری ایران، صرف حضور فیزیکی متهم در جلسه رسیدگی و محاکمه، به معنای حضوری بودن رأی خواهد بود؟ در قسمت مربوط به دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز این مسئله را مطرح شد که صرف حضور فیزیکی متهم کافی نیست بلکه باید حضور او مؤثر باشد تا بتوان از محاکمه حضوری نام برد. همین مسئله به صورت ضمنی در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۳۶۷ در این زمینه مقرر می‌کند: «دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهدی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به او، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند.....». ماده ۳۶۸ نیز محتوایی مشابه دارد. همان‌گونه که مشخص می‌باشد، چنانچه فردی در جلسه محاکمه حاضر شود ولی از آنجایی که قادر به تکلم و فهم زبان فارسی نیست نتواند جریان رسیدگی را درک کرده و از خود به نحوی شایسته دفاع نماید، باید برای وی مترجم گرفته شود، در غیر این صورت علی‌رغم حضور وی، محاکمه و

به تبع آن رأی صادره غیابی خواهد بود. از طرفی حضور مستمر و کامل متهم برای حضوری محسوب شدن محاکمه لازم نیست. تبصره ۱ ماده ۴۰۶ مقرر می‌دارد: «هرگاه متهم در جلسه رسیدگی حاضر و در فاصله تنفس یا هنگام دادرسی بدوی غیرموجه غائب شود، دادگاه رسیدگی را ادامه می‌دهد. در این صورت حکمی که صادر می‌شود حضوری است». بنا به تصریح تبصره باید پذیرفت در صورت ترک جلسه از سوی متهمی که عذر موجه دارد، اگر شرایط دیگر حضوری شدن رأی مثل ارسال لایحه، وجود نداشته باشد، محاکمه و رأی صادره غیابی خواهد بود.

۳-۵. آثار صدور رأی غیابی در نظام دادرسی کیفری ایران

رأی صادره نسبت به شاکی همیشه حضوری محسوب می‌شود، اما چنانچه شرایط ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد رأی غیابی وجود داشته باشد، رأی صادره نسبت به متهم غیابی خواهد بود. همچنین غیابی یا حضوری بودن رأی به شرایط مذکور در صدر ماده ۴۰۶ مرتبط است و با محتوای رأی صادره ارتباطی ندارد، لذا باید گفت رأی غیابی هم می‌تواند بیانگر محکومیت متهم باشد و هم بیانگر برائت. زمانی که رأی غیابی صادر می‌شود، چنانچه متضمن حکم محکومیت علیه متهم باشد دارای دو اثر خواهد بود. یک اینکه برای متهم حقی را ایجاد خواهد کرد و دوم آنکه تکلیفی بر عهده دادگاه صادرکننده آن حکم خواهد گذاشت.

در مورد حق متهم ماده ۴۰۶ این‌چنین مقرر می‌دارد: «... چنانچه رأی دادگاه مبنی بر محکومیت متهم باشد، ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی، قابل واخواهی در همان دادگاه است». در مورد مهلت واخواهی نیز باید گفت اگر ابلاغ واقعی باشد، ماده فوق صراحتاً زمان آن را بیست روز معین کرده است. در مورد ابلاغ قانونی نیز تبصره دو ماده ۴۰۶ مهلت واخواهی را بیست روز از تاریخ اطلاع متهم، اعلام کرده است. مدت‌های فوق در مورد اشخاص خارج از کشور دو ماه می‌باشد. از نظر امکان اجرای حکم غیابی ابلاغ آن اعم از واقعی یا قانونی کافی خواهد بود و تفاوتی از حیث اجرایی ندارد با این تفاوت که در مورد ابلاغ قانونی، مهم‌ترین اثر واخواهی به تصریح تبصره ۲ ماده ۴۰۶ توقف اجرای رأی است.

صدور رأی غیابی تکلیفی را نیز بر عهده دادگاه خواهد گذاشت. ماده ۴۰۷ در این زمینه این‌چنین مقرر کرده است:«دادگاه پس از واخواهی، با تعیین وقت رسیدگی طرفین را دعوت می‌کند و پس از بررسی ادله و دفاعیات واخواه، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید. عدم حضور طرفین یا هر یک از آنان مانع رسیدگی نیست». همان‌گونه که از صراحت ماده مشخص می‌باشد در صورت واخواهی، دادگاه مکلف است با تعیین وقت رسیدگی طرفین را احضار کرده و تشکیل جلسه بدهد و این اعم از آن است که دفاعیات واخواه برای تغییر در حکم دادگاه کافی باشد یا نباشد (خالقی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۰).

نتیجه‌گیری

در دادرسی کیفری اصل بر حضوری بودن می‌باشد، این یعنی اصل بر آن است تا متهم با حضور در جلسه دادرسی بتواند به بهترین شکل از خود دفاع نماید و چنانچه حضوری بودن محاکمه را اصل ندانیم، نمی‌توان از تحقق عدالت سخن گفت. از طرف دیگر برای تضمین عدالت و حفظ حقوق جامعه و بزه‌دیده، پذیرش محاکمه غیابی به طور استثناء ضروری می‌باشد. در محاکم کیفری بین‌المللی اصل بر محاکمه حضوری می‌باشد، اما در کنار محاکمه حضوری، در مواردی امکان رسیدگی غیابی به اتهام یا اتهامات متهم به طور استثناء پذیرفته شده است. علی‌رغم این مسئله، هنوز محاکمه غیابی جایگاه چندان دقیقی را دارا نمی‌باشد. همان‌گونه که اشاره کردیم برخی از محاکم کیفری بین‌ا لمللی صراحتاً محاکمه غیابی را در اساسنامه خود پیش‌بینی کرده‌اند، این در حالی است که برخی دیگر هیچ‌گونه اشاره‌ای به محاکمه غیابی نداشته‌اند هرچند رویه این محاکم همان‌گونه که اشاره شد متضمن جواز محاکمه غیابی می‌باشد. در زمان تدوین اساسنامه رم نیز، جواز یا عدم جواز محاکمه غیابی محل اختلاف بوده است و همچنان اختلاف‌نظرها با توجه به متن مواد گوناگون در این زمینه، بسیار است. لذا شایسته است قانونی منسجم و بدون ابهام در این زمینه تصویب شده تا به تمام اختلافات موجود در زمینه جایگاه محاکمه غیابی در محاکم کیفری بین‌المللی پایان دهد. در حقوق داخلی ایران در امور کیفری، همچون محاکم کیفری بین‌المللی اصل بر محاکمه حضوری می‌باشد و در کنار آن محاکمه غیابی به طور استثناء پذیرفته شده است و قانونگذار ضمن بیان شرایطی، در جرایم حق‌الناسی محاکمه غیابی را پذیرفته است. باید گفت در قانون ایران برای کسی که غیاباً محاکمه می‌شود، این امکان وجود دارد تا در صورتی که حکم غیابی علیه وی صادر شده باشد از آن واخواهی کند، که در این صورت دادگاه صادرکننده آن حکم مکلف است ضمن تشکیل جلسه دادرسی، طرفین را دعوت کند. هرچند ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری، مطلقاً رسیدگی غیابی را در جرایم حق‌الناسی جایز می‌شمارد، اما این اطلاق به موجب مواد دیگری مانند ماده ۳۵۰ مقید شده است که این گام بسیار مهمی در راستای تحقق عدالت می‌باشد، زیرا شایسته است در جرایم مهم امکان رسیدگی غیابی به اتهام یا اتهامات متهم وجود نداشته باشد. مسئله مهمی که به عنوان نتیجه هم در فرآیند رسیدگی کیفری در محاکم بین‌المللی و هم در ایران، علی‌رغم عدم اشاره مستقیم به آن باید مورد توجه قرار داد آن است که محاکمه حضوری صرفاً از حضور متهم قابل احراز نخواهد بود؛ گاهی ممکن است متهم به صورت فیزیکی در جلسه دادرسی حاضر باشد اما نتوان محاکمه وی را حضوری دانست و گاهی ممکن است علی‌رغم عدم حضور فیزیکی، محاکمه حضوری محسوب شود. همچنین اگرچه در فرآیند دادرسی کیفری کیفری در ایران و همچنین برخی محاکم بین‌المللی حضور وکیل متهم، به منزله حضور شخص خود اوست اما این مسئله در صورتی صدق می‌کند که متهم یا وکیل را شخصاً تعیین کرده باشد و یا درخواست وکیل تسخیری کرده باشد ویا پس از تعیین وکیل تسخیری با وی همکاری کرده باشد و در غیر این صورت جریان محاکمه متهم را علی‌رغم حضور وکیل یا ارسال لایحه از سوی وی باید غیابی دانست.

منابع

۱- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۸۸)، تشکیل دادگاه ویژه لبنان، نگاهی متفاوت در حقوق کیفری بین‌المللی، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲، تابستان، صفحه ۴۴-۲۳.

۲- عبدالهی، محسن و عبدالنعیم شهریاری، یوسف بابایی و اسماعیل یعقوبی (۱۳۹۶)، دیوان کیفری بین‌المللی: درنگی بر الحاق جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۳- داوید، اریک (۱۳۷۳)، دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگوسلاوی سابق، ترجمه مصطفی رحیمی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۸، صفحه ۲۹۳-۲۰۷.

۴- رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۵)، حق بر علنی بودن دادرسی به عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم در رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان، صفحه ۱۷۶-۱۶۳.

۵- رنجبریان، امیرحسین و مهدیه ملک‌الکتاب خیابانی (۱۳۸۹)، دادگاه ویژه سیرالئون، فرایند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفرمانی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست و هفتم، شماره ۴۳، صفحه ۱۶۷-۱۲۳.

۶- زراعت، عباس (۱۳۹۰)، آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی، انتشارات خط سوم.

۷- زراعت، عباس (۱۳۹۳)، مبانی و آثار اصل حضوری بودن فرایند دادرسی کیفری، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره ۲، پاییز و زمستان، صفحات ۱۳۷-۱۱۱.

۸- صابر، محمود (۱۳۸۶)، تضمین‌های دادرسی علنی ناظر بر ساختار دیوان کیفری بین‌المللی، دو فصلنامه مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، شماره ۲، صفحه ۱۵۷-۱۲۱.

۹- شبث، ویلیام (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه محمدباقر میربعباسی و حمید الهویی نظری، انتشارات جنگل.

۱۰- شمس، عبدالله (۱۳۹۳)، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، انتشارات میزان.

۱۱- فضائلی، محسن (۱۳۹۷)، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، انتشارات شهر دانش.

۱۲- خالقی، علی (۱۳۹۷)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات شهر دانش.

۱۳- خالقی، علی (۱۳۹۸)، نکته‌های آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش.

۱۴- خلجی، منصوره (۱۳۸۶)، حمایت از حقوق متهمان به جنایات بین‌المللی در مرحله دادرسی، دو فصلنامه علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال دوازدهم، شماره ۴۵، بهار و تابستان، صفحه ۱۱۴-۸۶.

۱۵- کیتی شیایزری و کریانگ ساک (۱۳۹۵)، حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، انتشارات سمت.

۱۶- کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷)، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران، انتشارات جنگل.

۱۷- نیکویی، سمیه (۱۳۸۵)، الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷، پاییز و زمستان، صفحه ۲۴۰-۲۱۹.